

رضا طالبلو^۱

حمید بهمن پور^۲

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۶

چکیده

در این مقاله اثر تنظیمات بانکی بر رقابت در صنعت بانکداری ایران با استفاده از داده‌های ترکیبی ۱۷ بانک دولتی و خصوصی (۱۳۷۵-۸۸) آزمون شده است. به منظور آزمون تجربی این رابطه در ابتدا شاخص‌های تنظیمات بانکی ایجاد شد. برای نشان دادن رقابت در این صنعت نیز شاخص لرنمورد استفاده گرفت.

نتایج آزمونها نشان می‌دهد که الگوی مورد استفاده نمی‌تواند پانل پویا باشد. هم چنین، نتایج تخمین نشان می‌دهد که ضریب متغیر کفایت سرمایه در تمامی روش‌های تخمین مثبت و معنی دار است، لذا در دوره مورد بررسی افزایش نسبت سرمایه به دارایی‌های موزون شده با ریسک بانکها باعث افزایش رقابت آنها شده است.

شاخص شدت محدودیت ورود که از معکوس تعداد بانکهای هر سال به دست آمده همواره در تمامی الگوها علامت منفی داشته و فقط در الگوی چند سطحی معنی دار نبوده است. میانگین نرخ سود تسهیلات عدد منفی بوده ولی به لحاظ آماری معنی دار نبوده است. نرخ ذخیره قانونی نیز در تمامی الگوها ضریب مثبت دارد ولی به لحاظ آماری مقدار عددی آن اختلاف معنی داری ندارد.

به غیر از متغیرهای مربوط به رقابت و مقررات بانکی، برای کنترل اثرات سایر عوامل از تعدادی از متغیرها استفاده شده است. شاخص اندازه بانک در اکثر الگوها معنی دار است که حکایت از افزایش اندازه بانک در افزایش ریسک‌پذیری بانکها در ایران دارد.

واژه‌های کلیدی: مقررات تنظیمی بانکی، شاخص لرنر، رقابت بانکی.

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی (مسئول مکاتبات) talebloo.r@gmail.com

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی bahmanpoor@atu.ac.ir

۱- مقدمه

بانک‌ها به واسطه کارکردهای مهمی که در نظام مالی دارند از جمله: ارائه خدمات دسترسی به نظام پرداخت‌ها و نقدینگی، تبدیل دارایی‌ها^۱، مدیریت ریسک، پردازش اطلاعات و نظارت بر قرض گیرندگان، از اجزای مهم نظام مالی هر کشور محسوب می‌شوند.

در ایران، این نقش با توجه به ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، نقصان بازار سرمایه و نیاز مبرم اقتصاد به توانمندسازی بخش خصوصی بسیار حساس‌تر شده است. در واقع، بخش بانکی در اقتصاد ایران، به‌عنوان مهمترین مجرای ارتباطی میان بخش پولی و حقیقی، به‌حدی مهم است که هرگونه نقصان در ساختار این بخش و ناکارآمدی عملکرد آن، زمینه‌های بروز اختلال در سایر بخش‌ها را نیز فراهم می‌آورد. از این رو بانک مرکزی بر بانک‌ها مقرراتی را اعمال می‌کند که از آن به‌عنوان تنظیمات بانکی یاد می‌شود. این تنظیمات طیفی از دخالت‌ها را در بر می‌گیرد. هدف اصلی تحقیق در این زمینه آن است که آیا تنظیمات بانکی بر رقابت بانکی تاثیر دارد و آیا می‌تواند تاثیر منفی بالقوه رقابت بر ثبات مالی را تصحیح کند؟

با توجه به اهمیت این موضوع در ادبیات نظری و سیاست‌گذاری، مطالعه حاضر درصدد است با درک اهمیت شناخت صنعت بانکداری در اقتصاد ایران، به بررسی و آزمون تجربی وجود رابطه تنظیمات بانکی و رقابت در صنعت بانکداری ایران بپردازد. برای این کار دو مجموعه داده مورد نیاز است. مجموعه اول در تخمین

شاخص لرنر که معیار این پژوهش برای نشان دادن قدرت بازاری است و برای محاسبه آن تابع هزینه بانکها مورد نیاز خواهد بود. برای این منظور ابتدا یک تابع هزینه برای بانک‌ها به صورت داده‌های پانل ایران با استفاده از داده‌های ترکیبی تخمین زده می‌شود و سپس با استفاده از این تابع هزینه به محاسبه این شاخص خواهیم پرداخت. مجموعه دوم داده‌ها به شاخص‌های تنظیم بانکی مربوط می‌شود.

این مقاله به صورت زیر سازماندهی شده است. در بخش دوم مبانی نظری اثرات تنظیمات بانکی بر رقابت مورد توجه قرار گرفته و در بخش سوم به پیشینه نظری و تجربی در خارج و داخل کشور پرداخته شده است. در بخش چهارم انواع ابزارهای تنظیمی و شاخص‌های اندازه‌گیری آنها ارائه شده و در ادامه مقاله در بخش پنجم تاثیر تنظیمات بانکی بر رقابت در صنعت بانکداری ایران مورد تخمین واقع شده و بالاخره در بخش ششم جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مطالعه ارائه شده است.

۲- ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

بانک‌ها همیشه به عنوان نهادی شکننده نگریسته شده‌اند که برای محیطی سالم و مطمئن^۲ نیاز به کمک دولت دارند (که معمولاً این وظیفه را بانک مرکزی از طرف دولت انجام می‌دهد). در حالت کلی، تنظیم بخش عمومی به واسطه شکست بازار توجیه می‌شود که می‌تواند ناشی از وجود پدیده‌هایی همچون: قدرت بازاری (که موجب بازارهای ناکامل می‌شود)، پیامدهای خارجی (هجوم سپرده‌گذاران به بانک به بحران

- سپرده‌گذاران (کارفرما) و بانک (کارگزار)
- بانک (کارگزار) و تنظیم‌گران (کارفرما)

بدین ترتیب مشکل انگیزشی و عدم تقارن اطلاعات در جنبه‌های مختلف فعالیت‌های بانکی بسیار پیچیده است و باعث ناکارایی رقابت در بازار فعالیت‌های بانکی می‌شود.

می‌توانیم تنظیم بانکی را در ابتدا به عنوان کاربردی از نظریه عمومی تنظیم بخش عمومی در مسئله خاص بانکداری در نظر بگیریم، اما در واقع این می‌تواند همراه‌کننده باشد. درک این مسئله که چرا تنظیم بانکی در نظریه بخش عمومی از نظر تنظیم مقررات مورد توجه نبوده بسیار پر اهمیت است. گرچه برخی ابزارها و الگوهای نظریه تنظیم را می‌توان برای پرداختن به بحث تنظیم بانکی منطبق کرد اما در این خصوص استثنائاتی وجود دارد. این بحث توجهات مربوط به تنظیم را بررسی می‌کند و ابتدا استدلال عمومی مربوط به تنظیم و شکست بازار را در نظر می‌گیرد و سپس به تحلیل این موضوع می‌پردازد که چه چیزی مختص بانکها است: "شکندگی ذاتی و این واقعیت که آنها پول را از مشتریانشان قرض می‌گیرند."

انواع تنظیمات

در این بخش به صورت تجربی به ارزیابی وضعیت متغیر و ابزارهای تنظیمی در نظام بانکداری ایران می‌پردازیم. در این مورد لازم است تا متغیرهای نماینده^۹ برای بعضی از متغیرهای تنظیم بانکی تعریف شود و برای برخی دیگر نیز با استفاده از قوانین و مقررات بانکی، متغیرهایی ساخته شود.

بانکی منجر می‌شود و این پدیده به سایر نهاد های مالی سرایت می‌کند^۴. و یا اطلاعات نامتقارن بین خریداران و فروشندگان (همانند مشکل مخاطرات اخلاقی) باشد^۵.

مقوله «مقررات تنظیمی»^۶ در صنعت بانکداری به لحاظ نقش کلیدی این صنعت در تخصیص منابع و تحریک فعالیت‌های اقتصادی از اهمیت زیادی برخوردار است. در واقع، تنظیمات از آنجا اعمال می‌شود که بانک در تصمیم‌گیری پیرامون متغیرهای عملکرد، باید مضامین مبتنی بر رفاه اجتماعی را نیز مورد نظر قرار دهد (شفیعی، ۱۳۸۸).

از نظر کارشناسان اعمال مقررات تنظیمی در صنعت بانکداری، نیازمند توجه به زمینه‌های تخصصی و فنی است. زیرا، علاوه بر لزوم توجه به نوع تنظیمات ضروری و تأثیرات ناشی از آن، متغیرهای دیگری نیز در رابطه تعاملی میان تنظیم‌کنندگان و بانکداران وجود دارند که بر عملکرد تنظیمات موثرند و می‌باید مورد توجه باشند. در واقع، این چارچوب نمایانگر رشته‌ای از عوامل اثرگذار بر نحوه عملکرد صنعت بانکداری در اقتصاد و تأثیرپذیری رفاه اجتماعی از آن است.

ماهیت بانکداری چنان است که چند نوع مشکلات نمایندگی^۷ در آن رخ می‌دهد. نظریه کارگزار- کارفرما^۸ در وجوه مختلف قراردادهای بانکی به شرح زیر است:

- سهامداران بانک (کارفرما) و مدیران آن (کارگزار)
- بانک (کارفرما) و مدیران میانی آن (کارگزار)
- بانک (کارفرما) و بدهکارانش (کارگزار)

مربوط به مالکیت؛ الزامات حداقل سرمایه؛ اعمال محدودیت بر نوع فعالیت بانکها؛ الزامات حسابرسی خارجی؛ الزامات سازمانی یا مدیریتی داخلی بانک؛ الزامات متنوع سازی و نقدینگی؛ حمایت‌های مبتنی بر ایجاد تور ایمنی مقابل بانک؛ الزامات مربوط به وام‌های سوخت شده (ذخیره‌گیری) (provisioning)؛ الزامات افشای اطلاعات؛ خروج موسسات مسئله دار یا به نظم درآوردن آنها؛ پایش بازار و تفویض اختیارات نظارتی به مقامات.

برخی از این تنظیمات به‌عنوان تنظیم احتیاطی یاد می‌شوند. تنظیم احتیاطی به معنی محافظت نظام بانکی از بحران‌های بانکی و پیامدهای آن است. از آن جا که در این تحقیق به اثرات تنظیم بانکی بر تغییرات رقابت در صنعت بانکداری پرداخته ایم لذا در ادامه به تنظیماتی که در ادبیات نظری به‌عنوان عواملی که بر رقابت در بانکداری موثرند اشاره خواهد شد.

تنظیمات مربوط به محدودیت‌های ورود^{۱۱}

یکی از روش‌های تأثیرگذاری دولت‌ها بر صنعت بانکداری، اعمال مقررات تنظیمی در خصوص ورود بانک‌های جدید به این صنعت است. محدودیت‌های ورود به صنعت بانکداری از جمله روش‌های اولیه اعمال تنظیم در صنعت بانکداری است.^{۱۲} در شرایط کنونی نیز، با اعمال کنترل‌های دقیق بر تاسیس بانک‌های جدید، می‌توان ثبات صنعت بانکداری را افزایش داد و اقتصاد را از اثرات نامطلوب ورشکستگی صنعت بانکداری مصون داشت. در واقع، تاسیس بانک‌های جدید از دو طریق می‌تواند زمینه‌ساز بی-

مقررات تنظیمی در صنعت بانکداری: انواع و مصادیق

فرکزاس و روچت (۲۰۰۸) به شش گروه مقررات تنظیمی اشاره دارند. این ابزارهای تنظیمی مورد استفاده در صنعت بانکداری به صورت زیر تقسیم می‌شوند: سقف نرخ بهره بر سپرده‌ها، اعمال محدودیت بر ورود به صنعت بانکداری، تعداد شعب، شبکه بانکی و ادغام، اعمال محدودیت در سبد دارایی‌ها شامل ذخایر قانونی، بیمه سپرده‌ها، کفایت سرمایه، نظارت و بازرسی تنظیمی (شامل سیاست‌های افشاء اطلاعات). به جز مورد اعمال محدودیت بر ورود و ادغام، سایر ابزارهای تنظیمی مختص صنعت بانکداری هستند. این ابزارها و تنظیمات به اندازه‌ای متنوع و ناهمگن هستند که با هیچ‌گویی نمی‌توان مکانیسم اثر گذاری آنها بر عملکرد نظام بانکی را در به صورت یکجا مورد بررسی قرار داد.^{۱۳}

در مورد مقررات تنظیمی و نظارت بانکی، میشکین (۱۹۹۲) هشت مورد محدودیت بر نگهداری دارایی‌ها و فعالیت‌ها، جدایی بانکداری از سایر صنایع خدمات مالی، محدودیت روی رقابت، کفایت سرمایه، بیمه سپرده مبتنی بر ریسک، الزامات افشای اطلاعات، تاسیس بانک، ارزیابی و آزمون بانک را به درستی در نظر می‌گیرد.

بارث، کپریو و لوین (۲۰۰۶)، دوازده مورد مقررات تنظیمی بانکی را در نظر می‌گیرند که به ترتیب زیر است: اعمال محدودیت بر ورود بانک‌های جدید به صنعت بانکداری؛ الزامات

آنها فقط می‌توانند پول هایشان را در یک بانک سپرده گذاری کنند. به علاوه، هنگامی که هر سپرده گذار اقدام به سپرده گذاری کند، باید هزینه نقل و انتقال به اندازه $t \cdot x$ متحمل شود، این هزینه^{۱۵} متناسب با فاصله بین محل سپرده گذار و محل بانک است^{۱۶}. از نظر آماری محیط کل دایره نرمال شده است و انبوه سرمایه گذاران با D نشان داده می‌شود.

اگر سپرده گذاران به صورت یکسان توزیع شده باشند، سازمان بهینه صنعت بانکداری با موقعیت متقارن n بانک متناظر است. حداکثر فاصله طی شده توسط یک مصرف کننده $1/2n$ است و مجموع هزینه‌های نقل و انتقال سپرده گذاران با تقسیم دایره به $2n$ کمان مساوی به دست می‌آید:

$$(1) \quad 2n \int_0^{1/2n} t \cdot x \cdot D dx = \frac{tD}{4n}$$

هزینه استقرار یک واحد بانک با F نشان داده می‌شود تعداد بهینه بانک‌ها به وسیله حداقل سازی مجموع هزینه‌های استقرار و هزینه‌های نقل و انتقال به دست می‌آید:

$$nF + \frac{tD}{4n}$$

بدون توجه به تقسیم ناپذیری (این حقیقت که n یک عدد صحیح است)، مقدار حداقل این عبارت هنگامی به دست می‌آید که مشتق آن نسبت به n مساوی صفر قرار داده شود:

$$d \left(\frac{nF - \frac{tD}{4n}}{dn} \right) = 0$$

که می‌دهد:

ثباتی در صنعت بانکداری شود: اول، ورود بانکداران متقلب^{۱۳} به عرصه فعالیت‌های بانکی، که سپرده‌گذاران را در معرض مخاطره کلاهبرداری قرار می‌دهد. در نتیجه، حس بی-اطمینانی نسبت به کلیه بانک‌ها ایجاد می‌شود و آنها در معرض خطر ورشکستگی قرار می‌گیرند. دوم، زمانی که ورود بیش از حد بانک‌های جدید به عرصه صنعت بانکی باعث شود که رقابت میان بانک‌ها شدت یابد و نرخ سود و ام‌ها به-حدی کاهش یابد که پایین‌تر از سطح مناسب و متناسب با نرخ بازدهی سرمایه قرار گیرد، در این صورت ممکن است بی‌ثباتی در اقتصاد پدید آید.^{۱۴} در این مقاله از عکس تعداد بانک‌ها به عنوان شاخصی از شدت محدودیت ورود استفاده شده است که به نظر نویسندگان این مقاله این شاخص در مورد بانکداری ایران بهتر از متغیر نرخ ورود است.

آیا رقابت آزاد به تعداد بهینه بانکها منجر می‌شود؟

برای پاسخ به این سوال می‌توان از الگوی سالوپ استفاده کرد. ساده‌ترین برداشت از الگوی سالوپ از منظر بانکداری، در نظر گرفتن سلسله-ای از سپرده گذاران است، که هر کدام از آنها یک واحد پول دارند و به طور یکسان در محل دایره‌ای شکل توزیع شده‌اند. به فرض روی یک دایره N بانک ($i = 1, \dots, n$) وجود دارد که سپرده‌ها را از مردم جمع می‌کنند و آنها را در فعالیتهای روزآمد بدون ریسک (یا اوراق بهادار) با نرخ بازدهی ثابت r سرمایه گذاری می‌کنند. سپرده گذاران به این فناوری دسترسی ندارند؛

(2)

$$n^* = \frac{1}{2} \sqrt{\frac{tD}{F}}$$

تعداد هنگامی به دست می آید که برای تمامی i بانک r_D^i ، سود π_i را حداکثر کند (در حالی که سایر نرخ ها ثابت نگه داشته شده باشند) این معادل است با:

(4)

$$r - r_D^i = \frac{t}{n} + \frac{2r_D^i - r_D^{i+1} - r_D^{i-1}}{2t} \quad (i = 1, \dots, n)$$

این سیستم خطی راه حل یکتایی دارد:

$$r_D^i = \dots = r_D^n = r - \frac{t}{n}$$

که برای تمامی بانکها سود مشابهی را به همراه خواهد داشت:

$$\pi_1 = \dots = \pi_n = \frac{tD}{n^2}$$

از آن جایی که محدودیت ورود وجود ندارد، تعداد تعادلی بانکها (که با n_e نشان داده می شود) هنگامی حاصل می شود که این سودها برابر هزینه استقرار F شود، که نتیجه می دهد:

$$n_e = \sqrt{\frac{tD}{F}} \quad (5)$$

مقایسه این عبارت با (2) نشان می دهد که رقابت آزاد به ورود بانکهای بسیار زیادی منجر می شود. در نتیجه، چشم انداز بالقوه ای برای دخالت دولت وجود دارد.

اینک سوال مورد نظر، تعیین نوع مقررات مناسب است. به عنوان مثال در چنین چارچوبی، اعمال ذخیره قانونی روی سپرده ها معادل، کاهش نرخ بازده r دارایی های بانکی است. معادله (4) نشان می دهد که در تعادل، این امر اثری بر تعداد بانک های فعال ندارد. در عوض، هر معیاری که به طور مستقیم (ورود، محدودیت بر شعب) یا غیر مستقیم (مالیات، کارمزد تاسیس^{۱۹}، و حداقل

اگر رقابت بانکی کاملاً آزاد باشد (محدودیت ورود و مقررات روی نرخ بهره وجود نداشته باشد) چه تعداد بانک ظاهر خواهند شد؟ برای جواب به این سوال، n بانک را در نظر بگیرید که به طور همزمان وارد شوند^{۱۷} و به طور یک شکل در دایره قرار گیرند و نرخ سپرده ها r_D^1, \dots, r_D^n منظور شوند. در این وضعیت، برای تعیین حجم D_i سپرده های جذب شده توسط بانک i ام $(i = 1, \dots, n)$ ، لازم است، موقعیت سپرده گذار نهایی^{۱۸} که در مورد رفتن به بانک i ام یا $i+1$ ام بی تفاوت است، محاسبه شود. فاصله \hat{x}_i بین سپرده گذار نهایی و بانک i به صورت زیر تعریف می شود:

$$r_D^i - t\hat{x}_i = r_D^{i+1} - t\left(\frac{1}{n} - \hat{x}_i\right).$$

بنابراین:

$$\hat{x}_i = \frac{1}{2n} + \frac{r_D^i - r_D^{i+1}}{2t}$$

و کل حجم سپرده های جذب شده توسط بانک i ام عبارت است از:

$$D_i = \left[\frac{1}{n} + \frac{2r_D^i - r_D^{i+1} - r_D^{i-1}}{2t} \right]$$

به دلیل این که در این مثال از دایره استفاده شده است، وضعیت های زیر را خواهیم داشت که کار را ساده تر می کند:

$$r_D^{i+1} = r_D^1 \quad \text{و} \quad r_D^0 = r_D^n$$

در نتیجه سود بانک i ام عبارت است از:

$$\pi_i = D(r - r_D^i) \left(\frac{1}{n} + \frac{2r_D^i - r_D^{i+1} - r_D^{i-1}}{2t} \right)$$

عمومی نیز در کنترل عملکرد خود با تضاد مواجه است، پس بخش عمده‌ای از منابع این بخش به-سمت تامین اهداف مورد نظر دولت و نه لزوماً کارآمد، منحرف خواهد شد. اعمال قدرت ناشی از مالکیت بر مدیران به منظور اختصاص منابع بانکی به سمت اهداف شخصی و لذا افزایش ریسک ناشی از عدم پرداخت وام را می‌توان دلیل قابل قبولی برای تنظیمات مربوط به حدود مالکیت افراد حقیقی و حقوقی دانست. در این مورد سوالات زیر مطرح می‌شود:

- آیا برای مالکیت هر فرد حقیقی، حداکثر وضع شده است؟
- در صورت مثبت بودن پاسخ چند درصد؟
- آیا بنگاه‌های غیر مالی می‌توانند مالک سهام با حق رای بانک‌های تجاری باشند؟
- آیا بنگاه‌های مالی غیر بانکی (insurance companies, finance companies و غیره) می‌توانند مالک سهام با حق رای بانک‌های تجاری باشند؟

در قوانین و مقررات بانکداری ایران هر فرد حقیقی نمی‌تواند مالک بیش از پنج درصد و شخص حقوقی نمی‌تواند مالک بیش از ۱۰ درصد سهام بانک و موسسات اعتباری باشد. هم‌چنین به منظور جلوگیری از ایجاد قدرت در تشکیل گروه‌های مالی، محدودیت‌هایی بر مالکیت متقاطع واحدهای مالی بانکی و یا غیر بانکی وضع شده است. در نظام بانکداری ایران طی سال‌های مورد بررسی تغییراتی در این نسبتها ایجاد نشده است. فعالیت‌های بیمه و کارگزاری در بورس نیز با سقف مالکیت همراه است. این قوانین طی دوره اخیر تغییرات قابل توجهی نداشته اند.

سرمایه) منجر به محدود کردن تعداد بانک‌های فعال شود، مادامی که تمامی بازار در حال خدمت دهی باقی بماند، میزان رفاه را افزایش خواهد داد. این امر می‌تواند به طور خاص به‌عنوان توجیهی برای اعمال محدودیت بر شعب بانکها باشد که در بسیاری از کشورها وجود دارد یا در حال ایجاد است.^{۲۰} با این حال، قوت این نتایج می‌تواند مورد سوال قرار گیرد، همان گونه که واقعاً در تعادل الگوهای دیگری از صنایع برای تولیدات متفاوت، به تولیدات بسیار کمی منجر شده است.^{۲۱}

الزامات در رابطه با مالکیت

یکی از شدیدترین روش‌های کنترل، مالکیت دولتی در بخش بانکی است که در خصوص آن دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است. کسانی که معتقد به اهمیت حیاتی بازار بانکی در اقتصاد هستند، ممکن است با اشاره به بحران ناشی از شکست این بازار - مثلاً در نتیجه عدم تقارن اطلاعات - به حمایت از این ابزار نظارتی پردازند. در این خصوص، طرفداران نظریه منفعت عمومی معتقدند که مالکیت دولتی بانک-ها می‌تواند فرآیند تحرک سپرده‌ها و اختصاص آن به پروژه‌های استراتژیک بلندمدت را تسهیل کند. به‌طور کلی، از نظر طرفداران نظریه ترجیحات خصوصی، دولتی شدن بانک‌ها، تنها سهولت تامین مالی پروژه‌های مورد نظر سیاست-گذاران و نه لزوماً پروژه‌های کارآمد به‌لحاظ اقتصادی است. به‌علاوه، از آنجاکه بخش خصوصی انگیزه‌ای برای نظارت بر عملکرد بانک‌های بخش عمومی ندارد و هم‌چنین بخش

اعمال محدودیت بر نوع فعالیت بانکها

اعمال محدودیت بر فعالیت بانکها نقش موثری در تبیین نحوه عملکرد بانک ایفا می‌کند. از منظر نظریه منفعت عمومی، مشارکت بانکها در فعالیت‌های بیمه‌ای، اوراق بهادار، املاک و مستغلات و یا حتی بنگاهداری باید تحت تنظیم قرار گیرد.

در مقابل، دلایل نظری دیگری نیز وجود دارد که منکر ضرورت مداخله دولت در فعالیت‌های مختلف بانکی است. طبق این نظریه‌ها، محدودیت‌های تنظیمی بر فعالیت‌های بانک می‌تواند مانع بهره‌گیری بانک از صرفه‌های مقیاس در جمع‌آوری اطلاعات مربوط به بنگاه‌ها، مشتریان، مدیریت انواع مختلف ریسک در مورد مشتریان، تبلیغات و توزیع خدمات مالی، اجرای قراردادها و انباشت سرمایه اجتماعی (اعتبار اجتماعی) شود. به این ترتیب، محدودیت‌های تنظیمی می‌تواند ناکارآمد تلقی شود. دوم، چنین محدودیت‌هایی می‌تواند باعث کاهش ارزش فرانشیز بانکها و بنابراین تحدید انگیزه آنها برای مشارکت در فعالیت‌های مخاطره‌آمیز شود. سوم آنکه با محدود کردن فعالیت‌های بانک، اعمال محدودیت‌های تنظیمی می‌تواند به‌عنوان مانعی در برابر ایجاد تنوع در منابع درآمدی به‌شمار رود که خود منجر به افزایش بی‌ثباتی در عملکرد بانک می‌شود. بدین ترتیب، دیدگاه منفعت خصوصی با ارایه توجیحات فوق‌علیه اعمال تنظیمات در صنعت بانکداری، چنین نتیجه می‌گیرد که اعمال تنظیمات در حوزه فعالیت‌های بانکی، اختیار عمل تنظیم‌کنندگان را گسترش

می‌دهد و در عین حال می‌تواند موجب کسب رانت برای این گروه باشد.^{۲۲}

اعمال محدودیت بر فعالیت بانکها نقش موثری در تبیین نحوه عملکرد بانک ایفا می‌کند. از منظر نظریه منفعت عمومی، مشارکت بانکها در فعالیت‌های بیمه‌ای، اوراق بهادار، املاک و مستغلات و یا حتی بنگاهداری باید تحت تنظیم قرار گیرد.^{۲۳}

همان طور که در فصل تنظیمات بانکی نیز اشاره شد، گسترده بودن فعالیت‌های مالی می‌تواند زمینه بی‌ثباتی نظام مالی را به همراه داشته باشد. برای کمی‌سازی این نوع تنظیمات سوالات زیر مطرح شد:

- آیا برای هر فعالیت بانکی مانند مواردی که ذکر شده، بیش از یک مجوز مورد نیاز است؟ (۱-خدمات بانکداری تجاری و خدمات مالی ۲- خرید و فروش اوراق بهادار و دارایی‌های مالی ۳- بیمه ۴- املاک و مستغلات ۵- خدمات ارزی...)
- چنانچه بیش از یک مجوز لازم است، حداکثر مجوزی که تحت آن بانکها می‌توانند برای انجام تمامی امور بانکی در فعالیتهای کارگزاری اوراق بهادار بپردازند، چقدر است؟
- شرایطی که تحت آن بانکها می‌توانند در فعالیتهای کارگزاری اوراق بهادار اقدام کنند، چیست؟
- شرایطی که تحت آن بانکها می‌توانند به فعالیتهای بیمه‌ای بپردازند چیست؟
- شرایطی که تحت آن بانکها می‌توانند مبادرت به فعالیت‌های املاک و مستغلات کنند، چیست؟

بانک در متنوع سازی اعتبارات با محدودیتی جغرافیایی مواجه است؟
در قوانین بانکداری ایران، از سال ۱۳۸۲ تا کنون حداکثر وام به هر شخص حقیقی به ۹۰۰ میلیون ریال و برای شخص حقوقی به ۱۳/۵ میلیارد ریال افزایش یافته است. به علاوه هر ساله بر سید وام‌ها، محدودیت‌هایی به صورت بخشی وضع شده است که قابل حسابرسی و نظارت نبوده است.

الزامات کفایت سرمایه

یکی از مهمترین ابعاد نظارتی حاکم بر نظام بانکی که مورد توجه بسیاری قرار گرفته است، مبحث کفایت سرمایه و در نظر گرفتن آن به-عنوان شاخصی از سلامت مالی یک بانک است. این نسبت بیانگر میزان حمایت از سپرده‌گذاران و اعتباردهندگان در مقابل ضررهای غیرقابل پیش‌بینی است که ممکن است بانک با آن مواجه شود. از این رو، نسبت فوق مقاومت بانک را نسبت به مشکلات اقتصادی نشان می‌دهد. این نسبت توسط قانون‌گذاران بانکی و تحلیل‌گران اعتباری، به‌عنوان یک شاخص کلیدی موقعیت مالی بانک، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در حالی که کمیته بال برای مقررات بانکی و رویه‌های نظارتی، حداقل استاندارد این نسبت را هشت درصد اعلام کرده و رعایت آن را از سال ۱۹۹۲ برای کلیه بانک‌هایی که در زمینه تجارت برون-مرزی فعالیت قابل ملاحظه‌ای دارند، الزامی می‌داند، در قوانین و مقررات بانکی ایران، آیین‌نامه‌های مربوط به نسبت کفایت سرمایه در تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۵ توسط شورای پول و اعتبار

طی سال‌های مورد بررسی تغییراتی در تنظیمات مربوط به فعالیت‌ها در قوانین و مقررات بانکی مشاهده نمی‌شود لذا نمی‌توان اثر آن را بر متغیرهای مورد نظر یعنی رقابت و ریسک بانکی بررسی کرد. اما به منظور بررسی بیشتر محدودیت‌های مربوط به فعالیت‌های مالی-بانکی، در فرضیه سوم این مقاله به بحث صرفه‌های ناشی از ابعاد در صنعت بانکداری پرداخته ایم تا این جنبه از صنعت بانکداری در اقتصاد بانکداری ایران بیشتر مورد بررسی قرار گیرد.

محدودیت‌ها و الزامات متنوع سازی سید وام‌ها

جنبه‌های دیگر متنوع سازی را می‌توان در ترکیب دارایی‌ها و میزان تمرکز وام‌ها مشاهده کرد در این مورد سوالات زیر مطرح است: آیا خط مشی صریح، قابل تایید و قابل کمی سازی در مورد متنوع سازی دارایی‌ها وجود دارد (مثلاً بانک ملزم به نگهداشتن حداقل متنوعی از وام‌ها یا محدودیت روی تمرکز است) آیا خط مشی دقیقی در مورد متنوع سازی دارایی‌ها وجود دارد (مثلاً بانک ملزم به نگهداشتن حداقل متنوعی از وام‌ها یا محدودیت روی تمرکز است) آیا بانک در وام دهی به یک فرد حقوقی محدودیتی دارد؟ حد آن چیست؟ آیا بانک در وام دهی به یک فرد حقیقی محدودیتی دارد؟ حد آن چیست؟ آیا بانک در وام دهی به ذینفع واحد تولیدی محدودیتی دارد؟ حد آن چیست؟ آیا بانک در وام دهی به ذینفع واحد غیر تولیدی محدودیتی دارد؟ حد آن چیست؟ آیا بانک در وام دهی در بخش‌ها با محدودیت تمرکز مواجه است؟ آیا

باشد، قیمت گذاری وام ها، مستقل از نرخ سپرده ها است. شیاپوری، پرز، کاستریلو^{۲۵} و وردیر (۱۹۹۵) سوال مشابهی را در چارچوب متفاوتی مورد مطالعه قرار دادند، که در آن تقاضا برای خدمات سپرده و وام، از مصرف کنندگان مشابهی به دست می آید. آنها از گسترش الگوی مربوط به اثرات ورود بانکها بر رقابت بانکی استفاده کردند که در آن فعالیت های اعتبارات وارد شده بود. سپرده گذاران نیز قرض گیرندگانی هستند^{۲۶} که در سطح انفرادی، تقاضای اعتبار L بی کششی دارند. فرض کنید $L < 1$ باشد. کل مطلوبیت (خالص) یک مصرف کننده نوعی (سپرده گذار - قرض گیرنده) بر این اساس عبارت است از:

$$U = (1 + r_D) - t_D x_D - (1 + r_L) - t_L x_L$$

که در آن x_D (x_L) فاصله از بانک تا جایی است که پول مصرف کننده در آنجا سپرده گذاری شده (تا جایی که وام مصرف کننده اعطا شده است)، r_L نرخ وام است، و t_D و t_L ، پارامترهای نقل و انتقال برای هر سپرده گذاری و اعطای وام است. توجه کنید که هزینه های نقل و انتقال وام ها و سپرده ها ممکن است متفاوت باشد (مثلاً به دلیل اینکه فراوانی این مبادلات متفاوت است)، و مصرف کنندگان ممکن است از بانکهای مختلف برای سپرده گذاری و وام گیری استفاده کنند.

این الگو سازگاری روشنی از نتایج اثر ورود بانکها بر رقابت را نشان می دهد که اگر n بانک وارد شوند و به طور متقارن روی مکان دایره ای شکلی قرار بگیرند و در نرخ های سپرده ها و وام بایکدیگر رقابت کنند؛ تعادل متقارن است و

تصویب و طی بخشنامه ای توسط بانک مرکزی به بانکهای کشور ابلاغ گردید. در این بخشنامه محاسبه این نسبت و رعایت آن طبق استانداردهای جهانی برای بانکهای کشور الزامی شده است. هرچند، این نسبت هنوز برای کلیه بانکهای کشور به شکل شفاف محاسبه نگردیده است و در گزارش های سالانه آنها انتشار می یابد^{۲۴}. برای نشان دادن تغییرات این شاخص، کفایت سرمایه هر بانک را در سالهای مورد بررسی محاسبه کرده ایم.

سقف نرخ بهره بر سپرده ها

در بسیاری از کشورها، مقررات سقف نرخ بهره بر سپرده ها اعمال شده است. اثرات این سیاست و دلایل آن در کار محققانی همچون استیگلیتز و ویز (۱۹۸۱) و وب و دمستر (۱۹۹۲) و .. ارایه شده است.

در دو دهه گذشته در نظام بانکی ایران، همواره بر نرخ سپرده ها و یا تسهیلات تنظیماتی انجام شده است. برای شاخص سازی این متغیر از سری داده های نرخ سپرده ها میانگین موزون گرفته شده است.

اثرات مقررات نرخ سپرده بر نرخهای اعتبارات

یکی از ساده ترین الگوها در بانکداری الگوی موتنی و کلین است. با استفاده از الگوی موتنی - کلین، نتیجه گرفته می شود که اگر بازارهای سپرده و وام مستقل باشند، اثرات اعمال حداکثر نرخ سپرده، به وسیله ویژگی های تابع هزینه بانک تعیین می شود. به خصوص، اگر این هزینه ها بین سپرده ها و وام ها جدایی پذیر

صورت، تنظیمات نه تنها موثر نیست، بلکه حتی می‌تواند زمینه‌ساز بروز ناکارایی در عملکرد این صنعت را پدید آورد.

تحلیل تجربی وضعیت تنظیم در صنعت بانکداری ایران

عملکرد، ثبات و کنترل ریسک‌پذیری بانکی مستلزم وجود نظام تنظیم و اعمال مقررات حاکم بر صنعت بانکداری است. تحقق این اهداف نیز مستلزم این است که نظام تنظیمی دارای برخی ویژگی‌ها در ابعاد مختلف باشد.

می‌توان از مطالعات نظری و تجربی در مورد اثر نظام حقوقی مقررات و نظارت بر نظام بانکی، نهادهای ملی و ساختار بازار بر کارایی نظام بانکی، نتیجه گرفت که هرچه نهادهای ملی و نظام حقوقی، رقابت و مالکیت خصوصی را تشویق کنند و بتوانند متناسب با نیازهای دایمی در حال تغییر اقتصاد ملی متحول شوند، عملکرد نظام بانکی نیز مطلوب‌تر خواهد بود. ضمن آن که، هرچه مقررات محدودکننده بر ورود و فعالیت‌های نظام بانکی کمتر باشد و از آن طرف مقررات مربوط به نظارت و کنترل‌های داخلی نظیر شفاف‌سازی اطلاعات، استانداردهای ذخیره‌سازی، کفایت سرمایه، طبقه‌بندی وام‌ها، راهبری اثربخش بنگاه و کنترل و نظارت بر آن توسط بخش خصوصی دقیق‌تر باشد، کارایی نظام بانکی نیز افزایش یافته و احتمال وقوع بحران در آن کمتر خواهد بود. از آن گذشته، تمرکز بازار، بر سودآوری بانک‌های بزرگ و کارایی آنها نیز اثر مثبت دارد.

الزامات فوق در حالی مورد توجه است که

تمامی بانک‌ها نرخ‌های مشابهی را پیشنهاد می‌کنند:

(۶)

$$r_D^e = r - \frac{t_D}{n} \quad \text{و} \quad r_{DL}^e = r - \frac{t_L}{nL}$$

آنها بازار را به صورت مساوی تقسیم می‌کنند و سود زیر را بدست می‌آورند:

(۷)

$$\pi^e = \frac{D(t_D+t_L)}{n^2}$$

تعداد بانک‌های فعال در تعادل ورود آزاد، به وسیله برابری بین π^e و هزینه ورود F تعیین می‌شود، که نتیجه می‌دهد:

(۸)

$$n^e = \sqrt{\frac{D(t_D+t_L)}{F}}$$

به راحتی می‌توان دید که وام‌ها و سپرده‌ها به طور مستقل قیمت گذاری می‌شوند. اگر بر نرخ سپرده‌ها مقررات تنظیمی وضع شود (به عنوان نمونه، اگر r_D در صفر ثابت باشد)، اثری بر r_L ندارد. تنها چیزی که تغییر می‌کند این است که بانک‌ها سود بیشتری از سپرده‌ها می‌برند، در نتیجه بانک‌های بیشتری وارد می‌شوند و این کار سطح رفاه را کاهش می‌دهد.

ابزارهای تنظیم صنعت بانکداری متعدد بوده و هدف از بکارگیری هر یک، حذف انحرافات عملکرد بانک نسبت به شرایط بهینه است. با این حال، باید توجه داشت که در بکارگیری هر یک از ابزارهای فوق، به خصوص موارد مرتبط با تنظیم نرخ‌ها، لازم است تنظیم‌کنندگان از تخصص کافی برخوردار باشند. در غیر این

- لایحه قانونی ممنوعیت خروج بدهکاران بانکها؛

علاوه بر قوانین مرجع، بخش نامه‌های متعددی در جهت اجرایی کردن برخی مواد قانون یا رویه‌های جدید در مقوله‌های مختلف بانکی به بانکها ابلاغ شده است که بر حسب مورد مرود بررسی قرار داده شده‌اند.

طبق ماده ۳۰ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ تأسیس بانک و اشتغال به عملیات بانکی و استفاده از نام بانک در عنوان مؤسسات اعتباری فقط طبق مقررات این قانون و تشخیص عملیات بانکی با شورای پول و اعتبار است؛ تأسیس بانک در ایران موقوف به تصویب اساسنامه آن به وسیله شورای پول و اعتبار و صدور اجازه از طرف بانک مرکزی ایران است؛ و مراجع ثبت شرکتها نمی‌توانند تقاضای تأسیس بانکی را در ایران به ثبت برسانند مگر آن که اجازه‌نامه بانک مرکزی ایران و رونوشت گواهی شده اساسنامه مربوط که به تصویب شورای پول و اعتبار رسیده است ضمیمه تقاضای ثبت باشد و هر گونه تغییر در اساسنامه بانکها بایستی به تصویب شورای پول و اعتبار برسد؛ بالاخره ایجاد یا تعطیل شعبه یا باجه یا نمایندگی بانکها در داخل یا خارج کشور طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب شورای پول و اعتبار می‌رسد.

در ادامه به مهمترین مقررات تنظیمی مربوط به بانکها پرداخته شده است. این ابعاد شامل: مقررات مربوط محدودیت‌های ورود بانکهای داخلی و خارجی به عرصه بانکداری، مقررات مربوط به محدودیت‌های فعالیت بانکها،

در اقتصاد ایران، با تصویب قوانین ملی کردن وادغام بانکها و تغییر ساختار صنعت بانکداری در سال ۱۳۵۸ و نیز تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا و برخی مصوبات پس از آن در سال ۱۳۶۲، تغییرات زیادی در ماهیت فعالیت بانک و متغیرهای نظام بانکی پدید آمده است که متغایباً زمینه‌ساز برخی نارسایی‌ها در این صنعت خواهد شد.

هم اکنون در ایران منابع زیر به عنوان مراجع قانونی بانکداری ارائه شده‌اند:

- قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱؛
- قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره)؛
- قانون اجازه تأسیس بانکهای غیردولتی؛
- قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی؛
- قانون مبارزه با پول‌شویی؛
- قانون تسهیل اعطای تسهیلات بانکی و کاهش هزینه‌های طرح و تسریع در اجرای طرح‌های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارایی بانکها؛
- قانون الحاق یک تبصره به قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی؛
- قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی؛
- قانون الحاق دو تبصره به ماده پانزده اصلاحی قانون عملیات بانکی بدون ربا؛
- لایحه قانونی اداره امور بانکها؛
- قانون منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازدهی در بخش‌های مختلف اقتصادی؛

توجه بوده، سپس برنامه‌های عملیاتی و اساسنامه مورد بررسی قرار می‌گیرد و آن‌گاه فرایند پذیره نویسی و ثبت بانک انجام می‌شود. در این فرایند ۳ نوع مجوز لازم می‌شود که باکسب هر سه آنها بانک غیر دولتی تاسیس می‌شود.

محدودیت سرمایه بانکها

یکی از محدودیت‌های اساسی در ایجاد شعب جدید، محدودیت سرمایه بانکهاست. در این مورد حداقل سرمایه لازم در سالهای گذشته تغییراتی داشته است.

بر اساس ماده ۱۲ ضوابط تاسیس مصوب ۱۳۷۹، حداقل سرمایه اولیه برای تاسیس بانک ۲۰۰ میلیارد ریال است که باید تماماً تعهد شده و حداقل ۵۰٪ آن قبل از صدور مجوز اولیه نزد بانک مرکزی ایران سپرده شود. ولی براساس مصوبه یک هزار و شصتین جلسه شورای پول و اعتبار مورخ ۸۵/۲/۹ حداقل سرمایه بانک برای تاسیس بانک ۳۵۰۰ میلیارد ریال تصویب گردید.

بر اساس مصوبه اردیبهشت ۱۳۸۹ شورای پول و اعتبار حداقل سرمایه لازم برای تاسیس بانک غیر دولتی چهار هزار میلیارد ریال، برای تاسیس بانک غیر دولتی الکترونیکی دو هزار میلیارد ریال و برای تاسیس موسسه اعتباری غیر دولتی ۳ هزار میلیارد ریال قرار داده شده است^{۲۷}. روند تغییرات میزان سرمایه اولیه بانکها این سوال را مطرح می‌کند که تنظیم کنندگان مقررات چه معیاری برای تعیین میزان اولیه سرمایه دارند.

مقررات مربوط به محدودیت‌های ترانزنامه بانکها و کفایت سرمایه، شفاف‌سازی مالی (سخت-گیری برای طبقه‌بندی وامها و تعیین استاندارد-های ذخیره سازی)، استقلال نهاد ناظر بر بانکها، و ... است.

مقررات مربوط به محدودیت‌های ورود به صنعت بانکداری

از بعد محدودیت‌های ورود بانکهای جدید، نظام قانونی فعلی از ابعاد مختلفی هم چون میزان اولیه سرمایه؛ صلاحیت‌های فردی و پیشینه فعالیت‌های متقاضیان و مدیران، نوع سهام و مالکیت آنها زمینه را برای کنترل ورود به صنعت بانکداری و رقابت و کارایی ایجاد کرده است. نظام مقرراتی حاکم بر صنعت بانکداری کشور، سالها فعالیت بانکهای خارجی در کشور را به رسمیت نشناخته و مجوز تاسیس شعبه به هیچ بانک خارجی را نمی‌داد. به‌علاوه، تا سال ۱۳۸۰ نیز هیچ بانک خصوصی در کشور وجود نداشت، اما بر اساس مصوبه شورای پول و اعتبار و در راستای سیاست‌های برنامه سوم توسعه، در سالهای ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، چهار بانک خصوصی مجوز فعالیت دریافت کردند و مقدمات تغییر ساختار صنعت بانکداری فراهم آمد. قطعا این شرایط، با ورود بانکهای خارجی، و ایجاد زمینه ورود تخصص و فناوری‌های جدید در جهت بهینه کردن عملیات بانکی و کاهش هزینه‌های آن قابل تحول است.

برای تاسیس بانک غیر دولتی، بعد از ارسال درخواست و بررسی اولیه و درخواست تکمیل مدارک، شرایط و وضعیت هیئت مدیره مورد

قوانین و مقررات مربوط به شعب

سیاست توسعه شبکه شعب با وجود تأثیرات تعیین‌کننده‌ای که بر وضعیت آتی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری دارد، از نظر نهاد سیاست‌گذار و ناظر پولی کشور تابع محدودیت‌هایی است. از جمله این‌که بر اساس قانون پولی و بانکی کشور ایجاد یا تعطیل شعبه یا باجه یا نمایندگی بانک‌ها در داخل یا خارج از کشور، طبق آئین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب شورای پول و اعتبار می‌رسد.

در خصوص اهداف این مقاله، چند پرسش که بتوان بر اساس آن‌ها شاخص شدت محدودیت ورود ساخته شود، مطرح شد ولی پاسخ بیشتر این سوالات از نظر مقامات نظارتی، ماهیت محرمانه دارد. این سوالات عبارتند از: کدام یک از موارد زیر قبل از اعطای مجوز لازم است؟ چارت سازمانی - پیش‌بینی مالی برای ۳ سال آینده - اطلاعات مالی در مورد سهام داران بالقوه - پیش‌زمینه / تجربه / جهت‌گیری‌های آتی مدیریت - تفاوت‌های بازاری که برای بانک جدید در نظر گرفته شده است - منشا وجوهی که اکنون صرف تجهیز بانک می‌شود. آیا لازم است منبع وجوه مورد استفاده به عنوان سرمایه توسط مقامات نظارتی و تنظیمی تایید شود؟ در هر سال چه تعداد درخواست برای تاسیس بانک از افراد داخلی دریافت شده است؟ چه تعداد از آنها رد شده است؟ دلایل احتمالی رد درخواستها چه بوده است؟

لذا به علت عدم امکان جمع‌آوری داده مناسب، براساس کار بارث، کپریو و لوین (۲۰۰۶) شاخص سازی برای ایران عملی نیست. ولی

شاخص سازی در مورد این متغیر با انجام تحلیل مولفه‌های بنیادین روی چند سری داده شامل: مجاری ورود به بانکداری، معکوس تعداد بانک‌ها در هر سال و ... همان گونه که ملاحظه خواهد شد به دست می‌آید.

محدودیت‌های مربوط به مالکیت سهام و

محدودیت‌های مربوط به انتقال آن

تنظیمات مربوط به تشکیل گروه مالی از مهم‌ترین تنظیمات در خصوص کنترل موسسات مالی و ثبات مالی است.

بنابر قوانین، تشکیل بانک صرفاً به صورت شرکت سهامی عام و با سهام با نام امکان پذیر است.^{۲۸} اشخاص حقوقی^{۲۹} که بخشی از سرمایه آنها متعلق به دولت و شرکتهای دولتی و یا نهادهای عمومی بوده یا به صورت مستقیم یا غیر مستقیم تحت مدیریت بخش دولتی و یا نهادهای عمومی قراردارند، نمی‌توانند در بانکهای غیر دولتی سهامدار باشند.^{۳۰}

بر اساس ماده ۱۳، انتقال بیش از ۱۰ درصد سهام بانک دفعتاً واحده و یا به تدریج به یک شخص حقیقی یا حقوقی دیگر موقوف به اطلاع سایر سهامداران و تأیید قبلی بانک مرکزی است. بر اساس تبصره ماده ۱۳ این ضوابط، هر شخص حقیقی به علاوه همسر و افراد تحت تکفل خود و هر شخص حقوقی به علاوه اشخاصی که بیش از ۱۰ درصد سهام آن را دارند و همچنین اشخاص حقوقی که بیش از ۱۰ درصد سهام شان در مالکیت شخص حقوقی متقاضی تاسیس بانک است، یک شخص محسوب می‌شود.^{۳۱}

محدودیت‌های مربوط به نوع فعالیت

واسطه‌گری مالی شامل طیفی از نهادهای مالی است که خدمات گوناگونی به متقاضیان عرضه می‌کنند. واسطه‌گران مالی شامل بانکها، شرکتهای بیمه، شرکتهای سرمایه‌گذاری، صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک، صندوق‌های بازنشستگی و دیگر نهادهایی می‌شود که خدمات مالی ارائه می‌دهند. همان‌طور که در مباحث قبل بیان شد، در کشورهای مختلف بسته به قوانین و مقررات مالی، محدودیت‌هایی روی مالکیت متقاطع این نهادها و حتی بر انجام این فعالیت‌های مالی توسط یک نهاد مقررات‌شدیدی اعمال می‌شود. در ایران، نظام مقرراتی حاکم بر صنعت بانکداری کشور بگونه‌ای است که بانکها را از سرمایه‌گذاری و مالکیت صددرصد در زمینه‌هایی مانند: بیمه، کارگزاری سهام، صرافی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری منع کرده است. البته قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱، در حالی که بانکها را از برخی معاملات نظیر خرید و فروش کالا بازداشته است که قانون عملیات بانکی بدون ربا چنین محدودیتی را از طریق: فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، مضاربه و مشارکت مدنی و حقوقی حذف کرده است.^{۳۲} هم‌چنین، شورای پول و اعتبار در ۱۳۸۲/۱۱/۲۵، بانکها و موسسات اعتباری تحت نظارت بانک مرکزی را مجاز به تاسیس صرافی و یا مشارکت در آن کرده است.^{۳۳}

بر اساس مقررات بانکی کشور^{۳۴} محدودیت‌هایی روی سرمایه‌گذاری در مستغلات تعیین شده است. بر اساس تبصره بند ۵ بخشنامه ۸۸/۷۷۴۴۴ مورخ ۸۸/۴/۱۰ بانکها از تاریخ ابلاغ

این مصوبه مجاز به خرید املاک به طور مستقیم و غیر مستقیم (از طریق شرکتهای زیر مجموعه) نیستند. بر اساس مورد ج از بند ۵ این بخشنامه ۷۷۴۴ شرکتهای سرمایه‌گذاری بانکها از تاریخ ابلاغ این مصوبه مجاز به خرید املاک به طور مستقیم و غیر مستقیم (از طریق شرکتهای زیر مجموعه) نیستند.

در خصوص فعالیت‌های مربوط به سرمایه‌گذاری بانکها در اوراق بهادار^{۳۵} نیز دستور العمل سرمایه‌گذاری موسسات اعتباری طی بخش‌نامه شماره مب/۱۸۲ مورخ ۸۶/۱/۲۶ به بانکها ابلاغ شده است. در این دستورالعمل حد سرمایه‌گذاری بانکها در اوراق بهادار بر اساس دو معیار مشخص شده است: الف) سرمایه پایه موسسه اعتباری و ب) محدودیت‌های سرمایه‌مربوط به شخص حقوقی.

تنظیمات مربوط به روش‌ها و ابزارهای مالی بانکها

در قانون عملیات بانکی بدون ربا چهارده ابزار مالی در قالب هشت قرارداد اسلامی، برنامه کار و فعالیت بانکها را تشکیل می‌دهد. این ابزارها در ارتباط با عقود متناسب با ماهیت حقوقی هر یک از آنها، به‌صورت زیر قابل طبقه‌بندی هستند:

الف. گروه تامین منابع مالی در رابطه با عقد قرض‌الحسنه اعطایی؛

ب. گروه تعهدات و مبادلات که در ارتباط با عقد جعاله (مشمول بر جعاله و به یک تعبیر افتتاح اعتبارات اسنادی و صدور ضمانت‌نامه به-عنوان گروه تعهدات) و عقد بیع (مشمول بر

سپرده‌های بانکی در مقایسه با شاخص تورم است. در واقع، طی سالیان متمادی در ایران تورم از رشدی فراتر از نرخ سود سپرده‌های بانکی برخوردار بوده و عملاً سود منفی واقعی به این سپرده‌ها تعلق گرفته است. اگرچه منطقی کردن نرخ‌های سود سپرده در سطح نظام بانکی یکی از خط‌مشی‌های برنامه‌های توسعه کشور بوده و در سال‌های اخیر نیز تلاش‌هایی در جهت کاهش نرخ تورم و افزایش نرخ‌های سود بانکی صورت گرفته، منفی بودن سود واقعی به‌ویژه بر روی سپرده‌های کوتاه‌مدت همچنان به قوت خود باقی است.^{۳۷}

در رابطه با مشکل دوم، توسعه بازار غیرمتشکل پولی نشان از آن دارد که ماهیت دستوری نرخ سود، تنها بازیگرانی را که می‌خواهند در عدم شفافیت موجود به فعالیت بانکی بپردازند، از حضور در این عرصه بازمی‌دارد. موسساتی که به هر علتی می‌توانند این موانع را پشت‌سر بگذارند، بدون مجوز و بدون این که نظارتی بر فعالیت آنها صورت گیرد، اقدام به فعالیت بانکی در کشور می‌کنند و از ظرفیت‌های موجود تحت عنوان قرض‌الحسنه سود می‌جویند.

تسهیلات تکلیفی

با ملی شدن بانک‌ها در سال‌های پس از انقلاب، نقش بانک‌ها در اعمال سیاست‌های پولی مورد نظر دولت افزایش یافت به طوری که بانک‌ها ملزم به ایجاد هماهنگی و همکاری با دولت در جهت رسیدن به اهداف سیاست‌های کلان اقتصادی شدند. لذا، مقرر شد بخشی از منابع بانکی در قالب تبصره‌های بودجه سالانه تصویب

فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، خرید دین به‌عنوان گروه مبادلات) عنوان می‌شود.

ج. گروه مشارکات که طی آن در چارچوب شراکت در سود و زیان (PLS) ۳۶ تمام یا بخشی از سرمایه مورد نیاز یک فعالیت اقتصادی (تولیدی، تجاری و خدماتی) توسط بانک تامین می‌شود و در نهایت سود حاصل از این نوع فعالیت اقتصادی طبق قرارداد منعقد و براساس نسبت‌های مورد توافق بین طرفین تقسیم می‌شود.

تنظیمات سقف نرخ سپرده‌ها و نرخ سود تسهیلات

تعیین و پرداخت بهره و یا سود سپرده‌ها بعد از انقلاب اسلامی همواره با مشکلات متعددی مواجه بود. پس از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا از سال ۱۳۶۲، نرخ بهره از نظام بانکی ایران حذف و نرخ‌های سود علی‌الحساب سپرده و تسهیلات جایگزین آن شد. در واقع، یکی از عمده‌ترین محدودیت‌های سازوکار بازار در عملیات بانکی را می‌توان تعیین دستوری نرخ سود تسهیلات بانکی و نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌ها دانست. در این خصوص، دو مساله باعث بروز مشکل می‌شود:

۱- پایین بودن نرخ سود سپرده‌ها در مقایسه

با شاخص تورم؛

۲- گسترش بازار غیرمتشکل پولی.

در رابطه با مشکل اول از عمده‌ترین کاستی‌ها و ضعف‌های موجود در ارتباط با جذب منابع سپرده‌ای در برخی کشورهای در حال توسعه به‌ویژه ایران، مساله پایین بودن نرخ سود

و در اختیار بخش دولتی قرار گیرد.

این مساله با درج تبصره ۳۳ قانون بودجه سال ۱۳۵۹ و تبصره ۳ قانون بودجه سال ۱۳۶۰ به مرحله اجرا درآمد و در سال‌های بعد تداوم یافت.^{۳۸} اعتبارات و تسهیلات پرداخت شده به مجریان طرح‌های تبصره‌ای، از منابع نقدینگی بانک‌ها سرچشمه گرفته و بانک‌ها نیز به تعهد دولت مبنی بر بازپرداخت وام‌های اعطایی، تسهیلات اعتباری را در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند.

تسهیلات تکلیفی را از نظر دولتی و غیر دولتی بودن می‌توان به دو گروه عمده به صورت: (۱) تسهیلات تکلیفی مصوب مربوط به تبصره‌های بخش دولتی؛ (۲) تسهیلات تکلیفی مصوب مربوط به تبصره‌های بخش غیردولتی تقسیم‌بندی کرد. بررسی روند پرداخت تسهیلات تکلیفی در اقتصاد ایران تا سال ۱۳۷۱ چندان چشمگیر نبوده است. از این زمان به بعد با شروع دوران سازندگی و کافی نبودن منابع دولت برای دستیابی به اهداف مورد نظر خود در برنامه‌های توسعه رشد فزاینده‌ای داشته است به طوری که حجم تسهیلات تکلیفی در سال ۱۳۷۶ به ۲۲/۸ هزار میلیارد ریال رسید که در ۱۸ تبصره قانون بودجه آن سال منعکس شد.^{۳۹}

الزامات کفایت سرمایه

یکی از مهمترین ابعاد نظام مقرراتی و نظارتی حاکم بر نظام بانکی که مورد توجه بسیاری قرار گرفته است، مبحث کفایت سرمایه و در نظر گرفتن آن به عنوان شاخصی از سلامت مالی یک بانک است. این نسبت بیانگر میزان حمایت از

سپرده‌گذاران و اعتباردهندگان در مقابل ضررهای غیرقابل پیش‌بینی است که ممکن است بانک با آن مواجه شود. از این رو، نسبت فوق مقاومت بانک را نسبت به مشکلات اقتصادی نشان می‌دهد. این نسبت توسط قانون‌گذاران بانکی و تحلیل‌گران اعتباری، به عنوان یک شاخص کلیدی موقعیت مالی بانک، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در حالی که کمیته بال برای مقررات بانکی و رویه‌های نظارتی حداقل استاندارد این نسبت را هشت درصد اعلام کرده و رعایت آن را از سال ۱۹۹۲ برای کلیه بانک‌هایی که در زمینه تجارت برون‌مرزی فعالیت قابل ملاحظه‌ای دارند، الزامی می‌داند، در کشور ایران، آیین‌نامه‌های مربوط به نسبت کفایت سرمایه در تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۵ توسط شورای پول و اعتبار تصویب و طی بخشنامه‌ای توسط بانک مرکزی به بانک‌های کشور ابلاغ گردید. در این بخشنامه محاسبه این نسبت و رعایت آن طبق استانداردهای جهانی برای بانک‌های کشور الزامی شده است.

طبقه‌بندی وام‌ها و استانداردهای ذخیره سازی

یکی دیگر از ابعاد مقررات در صنعت بانکداری، مقررات مربوط به طبقه‌بندی وام‌ها و استانداردهای ذخیره سازی است. بر اساس استانداردهای جهانی، در این رابطه، سه معیار برای طبقه‌بندی وام‌ها وجود دارد. یکی معیار کیفیت *دارایی‌ها* بر مبنای سهمی از پرتفوی بانک که دارایی با قابلیت نقدینگی بالا و وصول حتمی است و نیز سهمی از آن را که دارایی‌های با کیفیت پایین‌تر (از نظر درجه اطمینان به بازپرداخت و نقد شدن آنها) تشکیل می‌دهد.

دیگر نیز، تنوع پرتفوی و دارایی‌های بانکی است؛ یعنی این که، هر نوع دارایی (نقد، سهام، وام، اوراق بهادار، و ...) چه سهمی از پرتفوی بانک را به خود اختصاص داده است. این معیار نیز، میزان ریسک پرتفوی بانک و درجه اطمینان به آن را مشخص می‌کند.^{۴۰}

در حال حاضر، تعریف مقررات و ملاک‌های مذکور برای نظام بانکی و الزام به گزارش‌دهی بر مبنای این ملاک‌ها و معیارهای تعریف شده، یکی از اساسی‌ترین ابعاد نظام مقرراتی و نظارتی حاکم بر فعالیت‌های نظام بانکی در جهان را تشکیل داده و استانداردهای مشخصی نیز برای آن در هر کشور تعریف و اجرا شده است. بر اساس شواهد تجربی، هرچه نظام مقرراتی در این ارتباط الزامات دقیق و سخت‌گیرانه‌ای برای این طبقه‌بندی‌ها تعریف کرده باشد و نظام گزارش‌دهی بانک‌ها را بر مبنای آن سوق داده باشد، شفافیت بیشتری در عملکرد نظام بانکی ایجاد می‌شود و کارایی نظام بانکی را افزایش می‌دهد.

برای طبقه‌بندی دارایی‌ها بر اساس ملاک‌های مذکور، آیین‌نامه‌های خاصی توسط شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی تدوین شده است. بر اساس آیین‌نامه‌های فعلی، طبقه‌بندی وام‌های بانکی در سه گروه صورت می‌گیرد که شامل تسهیلات عادی، تسهیلات سررسید گذشته و تسهیلات معوق است.^{۴۱} مبنای تقسیم‌بندی مذکور، مدت زمان گذشته از سررسید بدهی و عدم پرداخت آن به بانک است.

این نوع طبقه‌بندی، مبنایی برای تعیین نرخ ذخیره سازی در هر طبقه ایجاد نمی‌کند. بلکه براساس میزان پوشش وثایق به تشخیص خود

سپس، بر اساس ریسک عدم بازپرداخت مربوط به هر طبقه از دارایی‌ها، نرخ مشخصی برای محاسبه ذخایر مطالبات مشکوک‌الوصول مربوط به آن طبقه تعیین، و اندازه ذخایر بر مبنای حجم دارایی‌های هر طبقه و نرخ ذخیره‌گیری محاسبه شده و از محل هزینه‌ها در حساب‌های بانک اعمال می‌شود. در واقع، این طبقه‌بندی و نرخ‌های مربوط به آن، الزامات ذخیره‌گیری را برای بانک مشخص می‌کند.

معیار دوم، اندازه وام نسبت به پرتفوی و اندازه سرمایه بانک است. این معیار مشخص می‌کند که چه تعداد وام با اندازه بزرگ که تسهیلات کلان نامیده می‌شود، نسبت به حجم بانک به مشتریان داده می‌شود و مجموع این نوع تسهیلات چه نسبتی از پرتفوی بانک را تشکیل می‌دهد. این معیار با تمرکز که بحث مهمی در انحصار است ارتباط مستقیم دارد. هرچه تعداد تسهیلات کلان بانک بیشتر شود، تمرکز پرتفوی بانک را افزایش می‌دهد. تمرکز بر مبنای اندازه وام‌ها سنجیده می‌شود. در واقع، تمرکز مشخص می‌کند که اگر وام‌گیرندگان را از نظر اندازه بدهی‌شان به بانک، از بیشترین مقدار به کمترین مقدار مرتب کنیم، چند درصد از میزان پرتفوی بانک را مشتریان خاص تشکیل می‌دهد. مثلاً مشخص می‌شود که از بیشترین به کمترین، چه درصدی از مشتریان، پنجاه درصد از پرتفوی بانک را به خود اختصاص داده‌اند. هرچه تمرکز در این ارتباط بیشتر باشد، میزان ریسک ناشی از این پرتفوی نیز بیشتر خواهد بود. چرا که ممکن است با عدم بازپرداخت وام توسط یکی از مشتریان در بالای فهرست، زیان بزرگی متوجه بانک شود و بانک را با بحران مواجه کند. معیار

سبب می‌شود تا کمیته‌ای متشکل از بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی در مورد آن تصمیم‌گیری کنند. بنابراین، یک بعد دیگر از اصلاحات مورد نظر در نظام مقرراتی، مربوط به ارتقای نظام طبقه‌بندی تسهیلات و نظام ذخیره‌گیری مبتنی بر آن است.^{۴۵}

تنظیمات مربوط به تنوع سبد وام‌ها و سایر دارایی‌های بانک

یکی از مهم‌ترین این مقررات به آیین‌نامه‌های بانک مرکزی و الزامات قانونی دولت و گروهی دیگر از محدودیت‌ها به سقف تسهیلات در بخش‌های مختلف اقتصادی مربوط می‌شود به عنوان مثال طبق بسته سیاستی - نظارتی بانک مرکزی برای سال ۱۳۸۹، موسسات اعتباری می‌توانند تا ۲۰ درصد افزایش در مانده منابع خود را پس از کسر الزامات قانونی به اختیار خود، به بخش‌های مختلف اقتصاد تخصیص دهند و ۸۰ درصد مابقی را در بخش‌های مختلف اقتصادی بر حسب سهم‌هایی که در این بسته سیاستی و نظارتی هدف‌گذاری شده است به صورت تسهیلات در قالب عقود اسلامی به متقاضیان اعطا کنند. بر اساس این بسته سیاستی، سهم بخش کشاورزی ۱۵ درصد، صنعت و معدن ۴۴ درصد، مسکن ۱۵ درصد، ساختمان ۱۲/۵ درصد، صادرات ۷ درصد و بازرگانی داخلی، خدمات و متفرقه ۶/۵ درصد تعیین شده است. این نوع محدودیت‌ها همواره در سالهای گذشته، بر سبد وام‌های بانک‌ها اعمال شده است.^{۴۶}

اعمال سایر مقررات در مورد میزان و حد وام دهی به هر مجموعه افراد حقیقی و حقوقی است.

بانک، ذخیره خاص برای هر مشتری اعمال می‌شود. برای ذخیره‌گیری مطالبات مشکوک‌الوصول بر مبنای دستورالعمل بانک مرکزی، ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول بانک متناسب با اعتبارات اعطایی بانک می‌باشد و حداقل دو درصد مانده آنها را در انتهای سال شامل می‌شود.^{۴۲} بدین ترتیب، نظام ذخیره‌سازی برای بانک‌ها به صورت عمومی و نه متناسب با طبقه‌بندی اعتبارات اعطایی بانک (عادی، سررسید گذشته و معوق) صورت می‌گیرد. در واقع هدف اساسی برای طبقه‌بندی اعتبارات اعطایی بانک‌ها، دادن وزن ریسک مناسب به هر طبقه و اعمال نرخ‌های مشخصی برای ذخیره‌گیری است. گرچه در نظام مقرراتی موجود و بر اساس تشخیص بانک، ذخایر خاص نیز بنا به مورد قابل اعمال خواهد بود، نرخ ذخیره خاص هر طبقه از تسهیلات وجود ندارد. البته، نکته مهم در این ارتباط عدم قبول هزینه‌های مطالبات مشکوک‌الوصول عمومی توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی است. گرچه بنا به ماده (۳۷) قانون پولی و بانکی، بانک‌ها مکلف‌اند مقررات پولی و بانکی، آیین‌نامه‌های متکی بر آن و دستورالعمل‌های بانک مرکزی ایران را رعایت کرده و هر ساله مانده ذخایر مطالبات مشکوک‌الوصول خود را به دو درصد مانده اعتباراتشان برسانند،^{۴۳} اما قانون مالیات‌های مستقیم طبق بند یازده ماده (۱۴۸) و آیین‌نامه مبتنی بر آن،^{۴۴} هر نوع ذخیره عمومی برای مطالبات مشکوک‌الوصول را رد، و تنها ذخایری را می‌پذیرد که مربوط به موارد خاص بوده و مدارکی دال بر عدم وصول آن وجود داشته باشد. این امر مشکلاتی را برای بانک‌ها ایجاد کرده و

ب- اشخاص حقوقی: سقف فردی تسهیلات اعطایی بانک به یک شخص حقوقی بدون الزام به استعلام از بانک مرکزی به ۹ میلیارد ریال و در مورد شرکتهای پذیرفته شده در بورس به ۱۳/۵ میلیارد ریال افزایش می‌یابد. جمع کل تسهیلات اعطایی به هر شخص حقوقی نمی‌تواند از ۹۰ میلیارد ریال تجاوز کند و در مورد شرکتهای پذیرفته شده در بورس حداکثر ۱۳۵ میلیارد ریال تعیین می‌شود. هم چنین در سایر شرایط این آیین نامه آمده که اعطای هر نوع تسهیلات به شرکتهای سرمایه گذاری متعلق به بانک ممنوع است. سقف فردی تسهیلات اعطایی (موضوع بخشنامه‌های مورخه ۱۳۷۴/۶/۲۵ و ۱۳۷۷/۲/۶ بر حسب مورد) در خصوص شرکتهای وابسته به بانک (شرکتهایی که حداقل ۱۰ درصد از سهام آنها متعلق به بانک است) و نیز در مورد شرکتهای تحت پوشش شرکتهای سرمایه‌گذاری آن بانک (شرکتهایی که حداقل ۱۰ درصد از سهام آنها متعلق به شرکت سرمایه‌گذاری است) ۹ میلیارد ریال تعیین می‌گردد.

به علاوه مجموع تسهیلات و تعهدات کلان هر بانک نباید از ۵۰ درصد کل تسهیلات اعطایی بانک، و هشت برابر سرمایه پایه^{۵۱} آن تجاوز کند. گروه دیگر این تنظیم‌ها نظام مقرراتی در زمینه تنوع‌بخشی به دارایی‌ها است. بر اساس آیین‌نامه خرید اوراق بهادار، سهام و مشارکت بانک‌ها، موضوع بند سه ماده ۳۴ قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱، هر بانک می‌تواند حداکثر تا ده درصد سرمایه پایه خود را به خرید سهام یک شرکت اختصاص دهد و مجموع ارزش سهام و اوراق بهادار (اوراق مشارکت) خریداری شده توسط یک بانک،

رعایت این بخشنامه گام مهمی برای کاهش ریسک پرتفوی بانک می‌باشد. زیرا بانک‌ها را وادار می‌کند تا تسهیلات خود را در اندازه‌های کوچک اعطا کنند. یکی از اصول اساسی در مبحث ریسک آن است که توزیع ریسک^{۴۷} (گسترده‌گی پرتفوی)، باعث کاهش ریسک می‌شود. بنابراین، اگر مبلغ مشخصی به یک نفر وام داده شود، نسبت به زمانی که همان مبلغ تقسیم و به چند نفر داده می‌شود، ریسک بیشتری را متوجه بانک می‌کند.^{۴۸} علاوه بر این در جهت کاهش تمرکز وام در پرتفوی بانک‌ها، آیین‌نامه‌ای نیز برای محدود ساختن اعطای اعتبار به اشخاص مرتبط (اشخاص حقیقی یا حقوقی که در جریان تصمیم‌گیری بانک یا موسسه اعتباری موثر هستند و به‌طور بالقوه یا بالفعل قادر به تامین منافع خود در بانک یا موسسه اعتباری می‌باشند) تصویب شده است.^{۴۹} به علاوه بر اساس ماده ۱۸ بسته سیاستی و نظارتی سال ۸۹ بانک مرکزی مجموع تسهیلات و تعهدات به هر ذینفع واحده حداکثر ۱۵ درصد سرمایه پایه هر موسسه اعتباری است.

در مصوبه شورای پول و اعتبار در آبان ۱۳۷۹ سقف اعتباری افراد حقیقی و حقوقی مشخص شده است.^{۵۰} طبق این مصوبه حدود اعتباری افراد به شرح زیر است:

الف- اشخاص حقیقی: سقف فردی تسهیلات اعطایی بانک به یک شخص حقیقی بدون الزام به استعلام از اداره اطلاعات بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا. (موضوع بخشنامه مورخ ۱۳۷۴/۶/۲۵) به ۹۰۰ میلیون ریال افزایش می‌یابد. جمع کل تسهیلات اعطایی توسط کلیه بانکها به هر شخص حقیقی نمی‌تواند از ۹ میلیارد ریال تجاوز نماید.

این متغیرها در ادبیات و مطالعات بانکداری، سه رویکرد به صورت «رویکرد تولیدی»، «رویکرد واسطه‌ای» و «رویکرد هزینه‌کاربری پول» وجود دارد.^{۵۵}

در این جا رویکرد تولیدی مورد استفاده قرار گرفته است^{۵۶} و لذا دو متغیر وام‌ها و سرمایه‌گذاری به عنوان ستاده اصلی بانک در نظر گرفته شده‌اند. برای این ستاده از حجم سرمایه‌گذاری‌های مستقیم و اوراق مشارکت استفاده شده است.

به منظور برآورد هزینه نهایی لازم است ابتدا تابع هزینه کل برآورد شود. در این ارتباط، فرم‌های تبعی مختلفی از جمله کاب داگلاس، لئونتیف، تابع با کشش جانشینی ثابت (C.E.S)^{۵۷} و ترانسلوگ وجود دارد که یکی از بهترین موارد آن تابع هزینه ترانسلوگ (به لحاظ برخورداری از ماهیت انعطاف‌پذیر، امکان تغییر متناسب کشش و مقیاس همراه با تغییر سطح ستانده و عوامل تولید، برابری تغییرات هزینه نهایی و قیمت عوامل تولید با تغییرات در تقاضای عوامل تولید و همگنی تابع نسبت به تغییرات قیمت عوامل) است. بدین منظور از تابع ترانسلوگ به صورت رابطه زیر استفاده می‌شود.

$$\ln TC_{nt} = \gamma_Y \ln Q_{nt} + \sum_i^{K,L,D} b_i \ln P_{int} + \alpha_T t_i + \frac{1}{2} \alpha_{vv} (\ln Q)_{nt}^2 + \frac{1}{2} \sum_i^{K,L,D} \sum_j^{K,L,D} \alpha_{ij} \ln P_{int} \ln P_{jnt} + \frac{1}{2} \alpha_{TT} t^2 + \frac{1}{2} \sum_i^{K,L,D} \alpha_{Yi} \ln Q_{nt} \ln P_{int} + \frac{1}{2} \sum_i^{K,L,D} \alpha_{Ti} \ln P_{int} t_i + \frac{1}{2} \alpha_{YT} \ln Q_{nt} t_i$$

نسبت هزینه‌های اداری، عمومی و استهلاک به مجموع دارایی‌های ثابت) و متغیر روند (t: به- عنوان متغیر تبیین‌کننده اثر پیشرفت فنی) خواهند بود. در ضمن به منظور حذف اثر تورم بر الگو،

نمی‌تواند از سی درصد سرمایه پایه آن بانک بیشتر گردد. علاوه بر این، طبق دستورالعمل اجرایی مشارکت حقوقی مصوب ۱۳۶۳/۱/۱۹ توسط شورای پول و اعتبار، بانک‌ها (چه یک بانک و چه مجموع بانک‌ها) می‌توانند حداکثر ۴۹ درصد از سهام شرکتی جدید و حداکثر ۲۰ درصد سهام شرکت موجود را خریداری کنند.^{۵۲} علاوه بر این، بر اساس آیین‌نامه ایجاد یا تعطیل واحدهای بانکی در داخل کشور، موضوع بند (و) ماده ۳۰ قانون پولی و بانکی کشور و بخشنامه‌های مبتنی بر آن^{۵۳}، نسبت بین خالص دارایی‌های ثابت (دارایی ثابت منهای ذخیره استهلاک) نباید از ۳۰ درصد حقوق صاحبان سهام بانک تجاوز کند.^{۵۴}

۳- روش‌شناسی پژوهش

تصریح الگو برای تابع هزینه نهایی

پیش نیاز اول برای محاسبه شاخص‌های لرنر دانستن رابطه تصریح شده تابع هزینه است. برای این منظور لازم است یک تابع هزینه تصریح و تخمین زده شود. این کار مستلزم آن است که بدانیم چه متغیرهایی نهاده و چه متغیرهایی ستانده هستند. برای مشخص کردن

که در آن متغیر وابسته هزینه کل (TC) است و متغیرهای توضیحی عبارت از میزان ستانده بانک (Q)؛ هزینه سپرده‌های بانکی (P_d)^{۵۸} سرانه هزینه پرسنلی؛ (P_l)^{۵۹} و قیمت نهاده ثابت (P_k)^{۶۰}:

با حصول اطمینان از پایایی متغیرها، دیگر نیازی به انجام آزمون همگرا شدن متغیرها و کاذب نبودن رگرسیون نیست.^{۶۵}

لذا، در این مرحله می‌توان به انجام برآورد در خصوص تابع هزینه پرداخت. با استفاده از نرم افزار STATA11 و EViews7 با در نظر گرفتن تمامی قیود تقارن و همگنی تخمین زده شد.

پس از برآورد تابع هزینه، می‌توان با استفاده از رابطه (۱۵) متغیر هزینه نهایی را به تفکیک هر یک از بانک‌ها و طی دوره مورد بررسی محاسبه نمود. سپس، با برخورداری از اطلاعات هزینه نهایی امکان ارزیابی وضعیت صرفه‌ها در این صنعت پدید می‌آید.

(۱۴)

$$MC_m = \frac{TC_m}{Q_m} \times (e)$$

اندازه‌گیری قدرت بازاری بانکها

در این مطالعه از شاخص لرنر به عنوان شاخصی از قدرت انحصاری بانکها استفاده می‌شود. کلیزنز و لوین^{۶۶} (۲۰۰۴) و Schaeck و همکاران (۲۰۰۹) از آماره‌های مختلفی استفاده کردند ولی بعضی مقالات همانند شفر^{۶۷} (۲۰۰۴) نشان دادند که شاخص لرنر برای راه حل‌های انحصار چند جانبه بهتر از شاخص‌های دیگر ویژگی‌های و تعدیلات ساختاری بلند مدت را در خود دارد.

در این تحقیق از شاخص لرنر به صورت زیر استفاده می‌شود:

(۱۵)

$$L_{it} = \frac{(P_{it}^q - mc_T)}{P_{it}^q}$$

لازم است متغیرهای الگو نسبت به رشد شاخص قیمت‌ها تعدیل شده و از داده‌های حقیقی برای برآورد استفاده شود.

۴- نتایج پژوهش حاصل از برآورد تابع هزینه

و شاخص لرنر

اکنون می‌توان به برآورد تابع هزینه کل در صنعت بانکداری به تفکیک بانک‌های فعال پرداخت. البته، پیش از انجام برآوردها لازم است ابتدا نسبت به دو مسأله اطمینان حاصل شود: ۱- پایایی متغیرها و در صورت ناپایایی امکان همجمعی در قالب یک الگوی بلندمدت؛ ۲- قابلیت ترکیب داده‌ها در قالب یک الگوی پنل. آزمون‌های ریشه واحد داده‌های پنل به وسیله کوآه^{۶۱} (۱۹۹۲ و ۱۹۹۴) و بریتون^{۶۲} (۱۹۹۴) پایه-ریزی شد. این مطالعات به وسیله لوین و لین^{۶۳} (۱۹۹۲ و ۲۰۰۳) و ایم، پسران و شین^{۶۴} (۱۹۹۷ و ۲۰۰۳) کامل شد و در حال حاضر انواع آزمون‌های ریشه واحد در داده‌های پنل فراهم است. در این پژوهش از آزمون ایم، پسران و شین (IPS) به عنوان مبنای ارزیابی استفاده شده است.

از آن جاکه در انجام برآورد تابع هزینه از اطلاعات صورت حساب مالی و ترازنامه تلفیقی ۶ بانک خصوصی و ۱۱ بانک دولتی (تجاری و تخصصی) برای یک دوره ۱۳ ساله (۸۷-۱۳۷۵) استفاده شده، لازم است پیش از انجام برآوردها نسبت به پایایی متغیرها و وجود یا عدم وجود رابطه بلندمدت بین آنها اطمینان حاصل کرد. با انجام آزمون‌های مربوطه مشخص شد که متغیرها در سطح معنی‌داری ۵ درصد پایا هستند.

منظور با رعایت جوانب امر برآورد لازم انجام و نتایج آن ارائه می‌شود. در این پژوهش از آزمون ایم، پسران و شین (IPS) به‌عنوان مبنای تعیین ریشه واحد به صورت جداگانه استفاده شده است.^{۶۹}

طبق جدول مشخص می‌شود که متغیرها در سطح معنی‌داری ۵ درصد پایا هستند.

که در این فرمول P_{it}^{eq} قیمت ستانده بانک است (که به عنوان نسبت درآمد بهره ای به دارایی‌ها^{۶۸} محاسبه می‌شود).

آزمون مانایی داده‌ها

در قسمت بعد، تاثیر متغیرهای تنظیم بر رقابت در صنعت بانکداری ارزیابی خواهد شد و به این

جدول (۸-۱). نتایج آزمون پایایی در سطح متغیرها با استفاده از روش لوین، لین و چو

با عرض از مبدا		باعرض از مبدا و روند		متغیر
<i>P value</i>	آماره <i>t</i>	<i>P value</i>	آماره <i>t</i>	
-	-	۰/۰۰ (پایا)	-4.79607	شاخص قدرت بازاری (لرنر)
-	-	۰/۰۰ (پایا)	-3.63525	رشد اقتصادی
-	-	۰/۰۰ (پایا)	-5.9211	تورم
		۰/۰۰ (پایا)	-5.58355	لگاریتم دارایی‌ها
		۰/۰۰ (پایا)	-5.811	نسبت تسهیلات تکلیفی به کل تسهیلات
		۰/۰۰ (پایا)	-3.89936	نسبت کفایت سرمایه
		۰/۰۰ (پایا)	-3.222	تنظیمات ورود
		۰/۰۰ (پایا)	-6.68999	تنظیمات نرخ بهره
		۰/۰۰ (پایا)	3.7211	تنظیمات مربوط به ذخایر قانونی

ماخذ: محاسبات تحقیق

برآورد الگو

و $\Delta\hat{v}$ نشان دهنده باقیمانده‌های حاصل از تخمین دو مرحله‌ای است. در این آزمون فرضیه صفر دال بر معتبر بودن قیدها است.

ابتدا برای این دو روش آزمون سارگان انجام شد. که در سطح معنی داری ۵ درصد آزمون سارگان در روش آرلانو- باند رد شد لذا روش آرلانو- باور- بولاندل- باند رد نشد. ولی ضریب وقفه دار لگاریتم شاخص لرنر معنی دار نیست پس الگو نمی تواند پویا باشد.

یکی دیگر از مهم ترین سوالاتی که در تاثیر مقررات بانکی بر رقابت پذیری بانکها مطرح بوده تاثیر کفایت سرمایه بانکها بر رقابت بانکی است. ضریب متغیر کفایت سرمایه در تمامی روشهای تخمین مثبت و معنی دار است لذا نتیجه گرفته می شود که در دوره مورد بررسی افزایش نسبت سرمایه به دارایی های موزون شده با ریسک بانکها، باعث افزایش رقابت آنها شده است چرا که در تمامی الگوها این ضریب معنی دار و مثبت بوده است.

تسهیلات تکلیفی نیز به عنوان یکی از متغیر- های دخالتی دولتی بسته به روش به کارگیری تخمین، تغییر علامت نشان داده ضمن این که در اکثر الگوهای تخمین معنی دار نبوده است. لذا در مورد تاثیر این متغیر نمی توان به دقت اظهار نظر کرد.

شاخص شدت محدودیت ورود که از معکوس تعداد بانکهای هر سال به دست آمده همواره در تمامی الگوها علامت منفی داشته و فقط در الگوی چند سطحی معنی دار نبوده است یعنی در دو الگوی پایه ای این مطالعه معنی دار بوده اند بر این اساس نمی توان این فرضیه را که ورود بیشتر بانکها باعث افزایش رقابت در

در این مقاله سعی شده است با استفاده از روشهای مختلف تخمین ضرایب در الگوهای داده‌ها پانل، حساسیت ضرایب متغیرها مورد بررسی قرار گیرد. همان طور که در بخش پیش ذکر شد، انتظار بر این است که الگوی تاثیر گذار بر رقابت بانکها به صورت یک الگوی پویا باشد که در آن رقابت بانکها بر اساس شاخص رقابت در سال گذشته و سایر متغیرهای توضیحی تغییر می کند. از این رو الگوی پایه در این مطالعه، الگوی پانل پویا است.

از سه روش در دسترس برای تخمین الگو- های پانل پویا یعنی روش آرلانو- باند، روش آرلانو- باور- بولاندل- باند و روش سیستمی خطی تخمین الگوی پویای داده‌های پانل استفاده شده است. برای مقایسه ضرایب نیز از روش های رگرسیون چندکی، الگوی چند سطحی، اثرات تصادفی، اثرات ثابت استفاده شده است. از سوی دیگر مقدار آماره خود همبستگی جملات اخلاص با فرضیه صفر مبنی بر وجود خود همبستگی مرتبه دوم در هر دو روش آرلانو- باند و روش آرلانو- باور- بولاندل- باند رد شد.

یکی از الزامات در روشهای پانل پویا، اطمینان از معتبر بودن قیدهای Over-identifying است برای این منظور ارلانو و باند (۱۹۹۱) پیشنهاد کردند در شرایط مذکور از آزمون سارگان (۱۹۵۸) به صورت زیر استفاده شود:

$$m = (\Delta\hat{v})'W[\sum_{i=1}^N W_i'(\hat{v}_i)(\Delta\hat{v}_i)W_i]^{-1}W'(\Delta\hat{v}) \sim \chi_{p-K-1}^2$$

که در آن p به تعداد ستونهای W اشاره دارد

بانکداری ایران است رد کرد که این موضوع با نتایج حاصل از مبانی نظری در تضاد است.

جدول خلاصه نتایج برآوردها

Between	Fixed-effects	Random-effects ML	GLS random	Arellano-bover-Bond	Arellano-Bond	متغیرها
6	6	5		2	1	
				0.0046	-0.1806	شاخص لرنرا یک دوره
				0.9880	0.5110	وقفه
0.4990	0.1693	0.2276	0.2488	-0.0366	0.0795	کفایت سرمایه
0.0490	0.0760	0.0090	0.0050	0.5580	0.6800	
-47.9439	-3.4134	-3.6823	-3.9141	-2.3622	-1.4994	شاخص شدت محدودیت ورود
0.0670	0.0450	0.0180	0.0160	0.1900	0.4070	
0.2956	0.0313	0.0252	0.0235	0.0238	0.0230	میانگین نرخ تسهیلات
0.0710	0.0050	0.0150	0.0300	0.0110	0.0160	
0.0039	0.0046	0.0031	0.0031	-0.0009	-0.0026	نرخ ذخیره قانونی
0.0700	0.0700	0.0280	0.0170	0.5990	0.1180	
-0.0686	-0.0154	-0.0288	-0.0338	-0.0200	-0.0187	شاخص اندازه بانک
0.0400	0.1720	0.0060	0.0000	0.0000	0.0000	
7.1930	0.3758	0.3001	0.2853	0.2677	0.2974	تورم
0.1100	0.1090	0.1780	0.2260	0.1330	0.0860	
-17.8538	-0.3019	-0.4196	-0.4697	-0.0554	-0.2226	رشد اقتصاد
0.0610	0.5230	0.3640	0.3380	0.8130	0.4510	
-0.1743	0.3764	0.6981	0.7953	0.6872	0.8075	ثابت
0.8760	0.1350	0.0010	0.0000	0.0000	0.0000	
140	140	140	140	132	132	مشاهدات
17	17	17	17	17	17	تعداد بانکها
				chi2(82) = 8.385575	chi2(70) = 10.23717	آزمون سارگان
				1.0000	1.0000	احتمال توزیع کای دو
				-0.8910	-0.4556	آزمون آرلانو-باند (خود همبستگی)
				0.3729	0.6487	احتمال
				عدم وجود خود همبستگی	عدم وجود خود همبستگی	

دارد ولی به لحاظ آماری مقدار عددی آن اختلاف معنی داری از صفر ندارد. به غیر از این متغیرهای مربوط به رقابت و

میانگین نرخ سود تسهیلات عدد منفی بوده ولی به لحاظ آماری معنی دار نبوده است. نرخ ذخیره قانونی نیز در تمامی الگوها ضریب مثبت

میانگین نرخ سود تسهیلات عدد منفی بوده است ولی به لحاظ آماری معنی دار نبوده است. نرخ ذخیره قانونی نیز در تمامی الگوها ضریب مثبت دارد ولی به لحاظ آماری مقدار عددی آن اختلاف معنی داری از صفر ندارد.

به غیر از این متغیرهای مربوط به رقابت و مقررات بانکی، برای کنترل اثرات سایر عوامل از تعدادی از متغیرها استفاده شده است. در اکثر الگوها شاخص اندازه بانک مقدار منفی و معنی دار دارد و نشان دهنده این است که افزایش اندازه بانک باعث افزایش ریسک پذیری بانکها در ایران شده است.

مقررات بانکی، برای کنترل اثرات سایر عوامل از تعدادی از متغیرها استفاده شده است. شاخص اندازه بانک در اکثر الگوها مقداری منفی دارد و معنی دار است. لذا آشکار می شود که افزایش اندازه بانک باعث افزایش ریسک پذیری بانکها در ایران شده است.

ضریب رشد تولید ناخالص داخلی در اکثر الگوها علامت منفی و معنی دار دارد که نشان دهنده افزایش ریسک پذیری بانکها در طی زمان است.

۵- بحث و نتیجه گیری

بر اساس نظریه های بانکداری مقررات تنظیمی در صنعت بانکداری تاثیر فراوانی بر رقابت در این صنعت دارد. از این رو در این مقاله اثر تنظیمات بانکی بر رقابت در صنعت بانکداری ایران با استفاده از داده های ترکیبی ۱۷ بانک دولتی و خصوصی (۸۸-۱۳۷۵) مورد آزمون قرار گرفت. به این منظور ابتدا شاخص های تنظیمات بانکی ایجاد شد. برای نشان دادن رقابت در این صنعت از شاخص لرنر استفاده به عمل آمد. نتایج تخمین نشان می دهد که ضریب متغیر کفایت سرمایه در تمامی روش های تخمین مثبت و معنی دار است لذا در دوره مورد بررسی افزایش نسبت سرمایه به دارایی های موزون شده با ریسک بانکها باعث افزایش رقابت آنها شده است.

شاخص شدت محدودیت ورود که از معکوس تعداد بانکهای هر سال به دست آمده در تمامی الگوها همواره علامت منفی داشته و فقط در الگوی چند سطحی معنی دار نبوده است.

فهرست منابع

- (۱) امید نژاد، محمد (۱۳۸۸). "گزارش عملکرد نظام بانکی کشور در سال ۱۳۸۷". تهران. موسسه عالی آموزش بانکداری ایران. چاپ اول
- (۲) شفیعی، افسانه (۱۳۸۸)، تحلیل ساختار، کارایی و هزینه اجتماعی انحصار؛ مطالعه تجربی صنعت بانکداری ایران، رساله دکتری دانشگاه علامه طباطبائی
- (۳) خسروی، حسن (۱۳۸۶). "آسیب شناسی نحوه ارایه اعتبارات بانکی". موسسه تحقیقات تدبیر اقتصادی. چاپ اول.
- (۴) خدادادکاشی، فرهاد (۱۳۸۵). "ساختار و عملکرد بازار: نظریه و کاربرد آن در بخش صنعت ایران". موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی. چاپ دوم.

- Journal of Money, Credit and Banking,
25, 49-61
17) Heffernan, sh (2005) modern banking.
18) Freixas.X and Rochet.J (2008)

یادداشت‌ها

- 1 Freixas and Rochet (2008) , p. 2
2 Transforming assets
3 Safety and Sound
4 Contagion
5 Freixas and Rochet (2008)
6 Regulations
7 Agency problem
8 Principal agent theory
9 proxy
10 Freixas.X and Rochet.J (2008), pp
11 Entry Restrictions
12 Kohn, (1999)
13 Rogue Bankers
14 Hellmann, Murdoch, and Stiglitz, (2000), Pp
147-165
15 - این فرض مهم نیست، هر تابع هزینهٔ محدب فزاینده به نتایج مشابهی منجر می‌شود.
16 - این الگوی مکان یابی می‌تواند به روش انتزاعی تری نیز تفسیر شود. فرض کنید سپرده‌گذاران در مورد ترکیب خدمات فراهم شده توسط بانک‌شان ترجیحات متفاوتی دارند. هر سپرده‌گذار ترکیب ویژه‌ای از خدمات بانکی را ترجیح می‌دهد. پس هزینه‌های نقل و انتقال با مطلوبیت از دست رفته همراه با مصرف ترکیب خدمات ارائه شده توسط بانک به جای ترکیب مرجح فرد، متناظر است.
17 - فرض ورود بی‌در پی، گرچه بسیار طبیعی است، ولی تحلیل را بسیار پیچیده‌تر می‌کند، زیرا بانک‌ها همیشه به صورت یک شکل، مستقر نمی‌شوند.
18 Marginal depositor
19 Chartering fee
20 - در این مدل ساده، هر بانک یک شعبه دارد. با این حال، مثال می‌تواند به راحتی به موردی گسترش یابد که در آن هر بانک چندین شعبه داشته باشد. اگر این شعب مجاور هم نباشند، نرخ و تعداد سپرده‌ها بدون تغییر باقی می‌ماند و نتایج همچنان برقرار است.
21 رک برای بحث در مورد این موضوع به تیروول ۱۹۸۸، و فصل سوم و هشتم فرکراس و روچت ۲۰۰۸
22 Shleifer and Vishny, (1993), Pp 599-617
23 شفیعی (۱۳۸۸)
24 پژوهشکده پولی و بانکی (۱۳۸۷)، صص ۱۷۶-۱۷۹
25 Chiappori, perez – Castrillo, and Verdier
26 - ممکن است عجیب به نظر برسد که یک مصرف‌کننده به جای اینکه خالص وضعیت اش را وام بدهد یا بگیرد به طور همزمان (در نرخ بالایی) وام می‌گیرد (و در نرخ پایینی) وام می‌دهد. این مورد شبیه به عملیات اعتبار در حساب جاری است.
27 بند (۷) از یکپزار و یک صد و سیزدهمین صورتجلسه مورخه ۱۳۸۹/۲/۲۱ شورای پول و اعتبار

۵) قندی‌نژاد، مرجانه (۱۳۸۶). بررسی ساختار(اندازه گیری تمرکز) درصنعت بانکداری ایران و هزینه‌های اجتماعی انحصارآن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد.

- 6) Benston, G., and C. W. Smith. (1976). A transaction cost approach to the theory of financial intermediation. Journal of Finance 31: 215-231.
7) Mester, L.J. (1996), "A study of bank efficiency taking into account risk-preferences", Journal of Banking and Finance, 20, 1025-1045 19 19
8) Bikker, J. A., K. Haaf (2002), "Competition and Concentration and Their Relationship: An Empirical Analysis of the Banking Industry", Journal of Banking & Finance , vol 26, 2191-2214
9) Bikker, Jacob.A. and Catherina Haaf (2002), "Measures of Competition and Concentration in Banking Industry: A Review of the Literature". Economic and Financial Modelling. Pp 1-46
10) Lau, L. (1982), "On Identifying the Degree of Competitiveness from Industry Price and Output Data", Economic Letters 10, 93-99
11) Molyneux, P., D.M. Lloyd-Williams and J. Thornton (1993), "Competitive Conditions in European Banking", Journal of Banking & Finance 18, 445-459
12) Panzar, J.C., J.N. Rosse (1987), "Testing for 'Monopoly' Equilibrium", Journal of Industrial Economics 35, 443 - 456
13) Peltzman, S. (1977), "The Gains and Lessons from Industrial Concentration", Journal of Law and Economics 20, 229-263
14) Rhoades, S.A. (1955), "Market Share Inequality, the HHI, and other Measures of the firm Composition of a Market", Review of Industrial Organization 10, 657 - 674
15) Shaffer, S. (1989), "Competition in the US Banking Industry", Econometric Letters 29, 321-323
16) Shaffer, S. (1993), "A Test of Competition in Canadian Banking",

۵۰ آیین نامه مب / ۲۰۵۶- مصوبه شورای پول و اعتبار در جلسه ۷۹/۸/۸ و کمیسیون اعتباری بانک مرکزی در ۸۰/۲/۳۰

۵۱ تعریف سرمایه پایه و نحوه محاسبه آن، در جلسه مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۷ شورای پول و اعتبار تصویب و طی بخشنامه مب / ۱۹۱۱ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۶ به بانکها ابلاغ شده است. ۵۲ معاونت پژوهشی، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات. ریاست جمهوری، مجموعه پولی و بانکی مشتمل بر قوانین و مقررات معتبر (تهران ۱۳۷۹)

۵۳ مصوبه شورای پول و اعتبار شماره ن ت / ۴۴۹۲ مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۸

۵۴ پژوهشکده پولی و بانکی، مجموعه بخشنامه‌های مدیریت و نظارت و امور بانک‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، (تهران: ۱۳۸۱)

۵۵ شفیعی (۱۳۸۸) ص ۶۵-۶۶

56 Heffernann (2008) 10-15

57 Constant Elasticity of Substitution

۵۸ این متغیر از حاصل تقسیم «سهم سود سپردمگاران از درآمدهای مشاع» بر «حجم کل سپرده‌ها» بدست آمده است.

۵۹ این متغیر از حاصل تقسیم «هزینه‌های پرسنلی» بر «تعداد پرسنل» بدست آمده است.

۶۰ این متغیر از حاصل تقسیم «هزینه‌های اداری» بر «دارایی ثابت» بدست آمده است.

61 Quah

62 Breitung

63 Levin & Lin

64 Im , Pesaran, Shin

۶۵ در شرایطی که متغیرها ناپایا و هم درجه باشند، تنها در صورتی می‌توان بدون تقاضاگیری از آنها در مدل استفاده کرد که فرضیه عدم همگرایی آنها در بلندمدت رد شده باشد. در غیر اینصورت مدل برآورد شده کاذب خواهد بود. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به:

Baltagi, Badi (2001). "Econometric Analysis of Panel Data". John Wiley & Sons. 2nd ed.

66 - Cleassens and Leaven

67 - Shaffer

68 - total earning assets

۶۹ در شرایطی که متغیرها ناپایا و هم درجه باشند، تنها در صورتی می‌توان بدون تقاضاگیری از آنها در مدل استفاده کرد که فرضیه عدم همگرایی آنها در بلندمدت رد شده باشد. در غیر اینصورت مدل برآورد شده کاذب خواهد بود. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به:

Baltagi, Badi (200۰). "Econometric Analysis of Panel Data". John Wiley & Sons, Ltd. 3rd ed.

۲۸ ماده ۷ ضوابط تاسیس بانک غیر دولتی
۲۹ شخص حقوقی که بیش از ۷۵٪ از سرمایه آن متعلق به اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و تعاونی ایرانی است.

۳۰ ماده ۵ ضوابط تاسیس بانکهای غیر دولتی

۳۱ ضوابط تاسیس در ۲۹ ماده و ۹ تبصره، مصوب در نهمین جلسه مورخ ۷۹/۹/۲۰ شورای پول و اعتبار

۳۲ در قسمت ضمیمه، به سایر زمینه‌های ناسازگاری مندرج در قوانین پولی و بانکی پرداخته شده است.

۳۳ مصوبه شورای پول و اعتبار شماره ن ب / ۷۵۴۱ مورخ ۱۳۸۲/۲/۱۶

۳۴ مصوبه هیئت دولت شماره ۲۱۶۴۶ / ت ۹۶۶۹ مورخ ۸۷/۲/۱۷ و ابلاغ آن بر اساس بخشنامه ۸۸/۷۷۴۴۴ مورخ ۸۸/۴/۱۰

۳۵ در این دستورالعمل اوراق بهادار به صورت زیر تعریف شده است هر نوع ورقه یا مستندی است که متضمن حقوق مالی قابل معامله برای دارنده آن باشد از جمله سهام شرکت ها، حق تقدم خرید سهام، اوراق مشارکت، اوراق قرضه، اوراق بهادار اسلامی، گواهی سپرده و سایر مواردی که به تشخیص بانک مرکزی تعیین می شود.

- ۱- سهام شخص حقوقی
۲- اوراق مشارکت
۳- اوراق قرضه
۴- اوراق بهادار اسلامی
۵- گواهی سپرده
۶- سایر موارد
- سرمایه گذاری بی واسطه
(سرمایه گذاری در اوراق بهادار منتشره از سوی شخص حقوقی)

36 Profit and Loss Sharing

۳۷ خسروی (۱۳۸۶)، صص ۲۲-۲۳

۳۸ تسهیلات تبصره‌ای هر سال توسط بانک مرکزی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی پیشنهاد و به تصویب شورای پول و اعتبار می‌رسد. آیین‌نامه‌های اجرایی آن و سهم هر یک از بخش‌ها نیز توسط همین شورا تعیین و تصویب می‌شود.

۳۹ خسروی (۱۳۸۶)، ص ۶۷

۴۰ پژوهشکده پولی و بانکی (۱۳۸۰)، ص ۲۸۵

۴۱ آیین نامه ۴۱۴۹۸ مورخه سال ۱۳۸۸

۴۲ مصوبه شورای پول و اعتبار شماره ن ب / ۲۴۵۷ مورخ ۱۳۵۵/۱۲/۸

۴۳ معاونت پژوهشی، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات. ریاست جمهوری، مجموعه پولی و بانکی مشتمل بر قوانین و مقررات معتبر (تهران ۱۳۷۹)

۴۴ آیین‌نامه اجرایی موضوع بند یازده ماده ۱۴۸ اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم، مصوب ۱۳۸۱/۶/۲۷

۴۵ اساسانژاد (۱۳۸۲)

۴۶ در میان بخش نامه و آیین نامه و بسته‌های سیاستی بانک مرکزی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ماده یک مصوبه ۹۹۲/ت / ۲۴۴۷۵ در خصوص سهم نسبی مانده تسهیلات اعطایی

47 Risk Spreading

۴۸ لیارد و والترز (۱۳۷۷)، صص ۸۲-۱۸۰

۴۹ آیین‌نامه شماره ۱۹۶۵ / مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۹